

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد
رشته زبان و ادبیات فارسی

بررسی اندیشه های عرفانی نجم الدین رازی بر اساس مرصاد العباد

استاد راهنما:

دکتر مجیی آتش زای

استاد مشاور:

دکتر حسین صدقی

پژوهشگر:

نسرین اصغرزاده

اسفند/۱۳۹۲

تهران/ایران

تقدیم به

یگانه بانوی عالم، حضرت فاطمه زهرا (س)

و غنچه زندگی ام

صهبا

همه وجودم فدای نام آنها.....

سپاسگزاری

حمد و ثنا خداوندی را که انسان را اشرف مخلوقات کرد و برای هدایت و راهنمایی او انبیا را برانگیخت.

سپاسگزارم از زحمات بی دریغ و عالمانه استاد گرانقدر و فرهیخته، دکتر یحیی آتش زای که به عنوان استاد راهنما با رهنمودهای ارزنده خود مرا در تدوین هر چه بهتر این پژوهش یاری رساندند؛ و همچنین از استاد فروتن و مهربان، دکتر حسین صدقی که دلسوزانه و عالمانه مرا راهنمایی کردند و از محضر ایشان سودها جستیم.

همچنین از محضر اساتید فرهیخته و ارزشمند گروه زبان و ادبیات فارسی، آقایان دکتر مشتاق مهر، دکتر علیزاده، دکتر گلی، دکتر قلیزاده، دکتر عیوضی، دکتر قره بگلو و دکتر نصراللهی و سرکام خانم رسمی صمیمانه قدردانی می کنم و نهایت تشکر را دارد.

نیز تشکر ویژه ای دارم از دوستان و همکلاسانم که در طول مدت تحصیل از وجود ایشان بهره بردم.

سرانجام قدردانی می کنم از پدر و مادر فداکارم که زیر سایه آنها وجودم به تکامل رسید و با تمام وجود مرا یاری رساندند و همچنین از همسر مهربان و دلسوزم نهایت تشکر را دارم که پا به پای من در تدوین این پژوهش زحمت کشیدند و با حمایت های بی دریغ خود مشکلات را بر من آسان کردند. اینک هر آنچه دانم و دارم مدیون وجود نازنین آنها هستم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	چکیده
	پیشگفتار
مقدمه	
۱	۱- روزگار نجم رازی
۲	۲- اناام و لقب و تخلص
۲	۳- لقب دایه
۳	۴- مولد و منشا
۴	۵- اسوانح زندگی
۶	۶- اوفات و آرامگاه
۶	۷- اعتقاد به اشاعره
۷	۸- نظریه اشاعره نسبت به عالم
۷	۹- اقوال اشاعره در وجود
۷	۱۰- قول اشاعره در ارتباط با فاعلیت و تاثیر در بین اشیا و رابطه آنها با فعل خدا
۷	۱۱- مراد اشاعره و معتزله از رویت حق
۸	۱۲- عقاید و اخلاق
۸	۱۳- تعصب به مذهب اهل سنت و جماعت
۸	۱۴- مذهب شافعی
۹	۱۵- اناز و تنعم و خودنمایی
۱۰	۱۶- نوع تصوف نجم الدین رازی
۱۱	۱۷- شیوه تصوف نجم الدین رازی
۱۱	۱۸- شیخ او
۱۲	۱۹- ادر سپردن زن و فرزند به چنگ دشمن

- ۲- آثار نجم رازی ۱۲
- ۳- مرصاد العباد ۱۵
- ۴- عرفان ۱۷

بخش اول عرفان نظری نجم رازی

فصل اول خدا و معرفت او

- خدا و معرفت او ۲۱
- ۱- معرفت چیست؟ ۲۱
- ۲- درجات معرفت ۲۲
- ۳- انواع معرفت ۲۲
- ۲- ذات خداوند ۲۴
- ۳- صفات خداوند ۲۵
- ۴- رحمن و رحیم ۲۷
- ۵- نور ۳۰
- ۸- معرفت خداوند ۳۳
- ۹- علم لدنی ۳۵
- ۱۱- توحید ۳۵
- ۱- معنای توحید ۳۶
- ۲- انواع توحید ۳۷
- ۳- مراتب توحید ۴۰
- ۴- اصول توحید ۴۴
- ۴- انهایت توحید ۴۴

فصل دوم ارواح

- ۱- روح چیست؟ ۴۶
- ۳- کمال روح ۵۰
- ۴- طریق تحلیه روح ۵۰
- ۵- تعلق روح به قالب ۵۰
- ۶- نفع روح ۵۱
- ۷- ارواح چهارگانه ۵۳
- ۸- مراتب ارواح ۵۴

فصل سوم فرشتگان

- ۱- عوامل اعتراض فرشتگان ۵۶
- ۲- جواب خداوند در اعتراض فرشتگان ۵۷

- ۳- سجده فرشتگان آدم را ۵۸
- ۴- امتیاز انسان از ملائکه ۵۹
- ۵- ابلیس ۶۰

فصل چهارم انبیاء

- ۱-۱- فلسفه وجودی پیامبران ۶۴
- ۳-۱- تعریف انبیاء ۶۶
- ۲- حضرت آدم (ع) ۶۸
- ۱-۲- وسوسه ابلیس آدم را ۶۸
- ۲-۲- هیبوط آدم ۶۹
- ۴-۲- ربنا ظلمنا ۷۰
- ۳- حوا ۷۱
- ۴- حضرت محمد (ص) ۷۲
- ۱-۴- خلقت پیامبر ۷۲
- ۲-۴- نور محمدی ۷۴
- ۳-۴- ولایت محمدی ۷۴
- ۴-۴- فضیلت و ویژگی پیامبر ۷۵
- ۵-۴- فضیلت پیامبر بر انبیاء دیگر ۷۷
- ۶-۴- دین پیامبر ناسخ ادیان دیگر ۷۸
- ۷-۴- فقر فخر پیامبر ۷۹
- ۸-۴- مفهوم فقر ۷۹

فصل پنجم انسان

- ۱- تعریف انسان ۸۲
- ۲- دو بعدی بودن انسان ۸۴
- ۳- باطن انسان ۸۶
- ۴- اشتقاق کلمه انسان ۸۷
- ۵- هدف از آفرینش انسان ۸۸
- ۶- رابطه انسان با عالم خارج ۹۰
- ۷- تفاوت انسان از سایر موجودات ۹۱
- ۸- قالب انسان ۹۳
- ۹- تعریف اسفل سافلین ۹۴
- ۱۰- تکریم انسان ۹۴
- ۱۱- شرافت خاک انسان ۹۶
- ۱۲- علت قبول امانت الهی توسط انسان ۹۶

- ۹۸..... ۱۳-ظالم و جاهل بودن انسان
- ۹۹..... ۱۴-ظلمت
- ۹۹..... ۱۵-حجاب
- ۱۰۱..... ۱۶-امانت الهی چیست؟
- ۱۰۲..... ۱۷-خلیفه

فصل ششم عالم

- ۱۰۷..... ۱-انواع عالم
- ۱۰۷..... ۲-عالم امر
- ۱۰۸..... ۳-عالم خلق
- ۱۰۹..... ۴-عالم ملک و ملکوت
- ۱۰۹..... ۵-عالم ملک
- ۱۱۰..... ۶-عالم ملکوت
- ۱۱۲..... ۸-عالم علوی
- ۱۱۲..... ۹-عرش

فصل هفتم معاد

- ۱۱۵..... ۱ معاد
- ۱۱۵..... ۲-نفوس سعدا
- ۱۱۷..... ۳-نفوس اشقیا
- ۱۱۹..... ۴-فرق میان شقی و اشقی
- ۱۲۰..... ۵-سابقان
- ۱۲۲..... ۶-اصحاب یمین
- ۱۲۴..... ۷-اصحاب شمال

بخش دوم عرفان عملی نجم رازی

فصل اول اربعین و چله نشینی

- ۱۲۸..... ۱-خلوت چیست؟
- ۱۳۰..... ۲-اربعین
- ۱۳۱..... ۳-شرایط اربعینات

فصل دوم دل و تزکیه آن

- ۱۴۰..... ۱-دل چیست؟
- ۱۴۲..... ۲-خلقت دل
- ۱۴۳..... ۳-تفاوت دل بر سایر اعضا

۱۴۳	۴-تصفیه دل
۱۴۴	۶-صلاح و فساد دل
۱۴۵	۷-مضغه چیست؟
۱۴۵	۸-اطوار دل
۱۴۶	۹-اطوار هفتگانه دل

فصل سوم رابطه مرید و مراد

۱۵۰	۱-۱شیخ
۱۵۰	۲-۱-ارکان اهلیت شیخی
۱۵۲	۳-۱-نیاز مرید به شیخ کامل
۱۵۶	۴-۱-صفات شیخ
۱۶۱	۲-مرید
۱۶۲	۲-۲-صفات مرید

فصل چهارم شریعت

۱۷۲	شریعت
۱۷۲	۱-۱شریعت چیست؟
۱۷۳	۲-۱-ظاهر و باطن شریعت
۱۷۳	۳-۱-فواید شریعت
۱۷۵	۵-۱-رابطه شریعت، طریقت و حقیقت
۱۷۶	۲-نماز
۱۷۸	۲-۲-آداب نمازگزار
۱۷۹	۴-۲-اشکال و حرکات نماز
۱۸۱	۹-۲-شرایط نماز
۱۸۲	۳-روزه
۱۸۷	۳-۳-شرایط روزه
۱۸۷	۴-حج
۱۹۰	۱-۴اعمال حج
۱۹۰	۵-زکوة
۱۹۳	۶-کلمه شهادت

فصل پنجم طریقت

۱۹۷	۱-طریقت
-----	-------	---------

فصل ششم عشق

۲۰۰	۱-عشق چیست؟
-----	-------	-------------

۲-رابطه عاشق و معشوق ۲۰۱

فصل هفتم کفر

۱-تعریف کفر ۲۰۵

۲-انواع کفر ۲۰۵

۳-ریشه های کفر ۲۰۷

۴-عوامل کفر ۲۰۷

فصل هشتم نفس و تزکیه آن

۱-نفس چیست؟ ۲۰۹

۲-سعادت و شقاوت آدمی در ارتباط با نفس ۲۱۱

۴-دارای دو صفت ذاتی هوا و غضب ۲۱۲

۵-شهوت ۲۱۲

۶-غضب ۲۱۳

۷-هوا ۲۱۳

۸-انواع نفوس ۲۱۵

۱-۸-نفس اماره ۲۱۵

۲-۸-نفس لوامه ۲۱۷

۱-۲-۸-ظالم ۲۱۸

۳-۸-نفس مطمئنه ۲۱۹

۴-۸-نفس ملهمه ۲۲۲

۹-تزکیه نفس چیست؟ ۲۲۴

۱۰-اثرات تزکیه نفس ۲۲۵

۱۱-صف چهارگانه نفوس ۲۲۷

فصل نهم وصال

وصال ۲۳۰

فصل دهم تجلی

۱-تعریف تجلی ۲۳۲

۲-اثرات تجلی ۲۳۳

۴-انواع تجلی ۲۳۴

۵-تجلی خدا به اعتبار اسما ۲۳۶

۶-تجلی ذات ۲۳۷

۷-تجلی صفات ۲۳۸

۱۱-تجلی افعالی ۲۴۳

۱۲-صعقه ۲۴۳

فصل یازدهم خواب

- ۱-تعریف خواب ۲۴۶
- ۲-انواع خواب ۲۴۶
- ۴-انواع رویا ۲۴۷
- ۵-خواب صالح ۲۴۷
- ۷-واقعه ۲۴۸
- ۸-فرق میان خواب و واقعه ۲۵۰
- ۹-فایده کشف وقایع در نظر سالک ۲۵۰
- ۱۰-فرق میان الهام حق، اشارت و کلام ۲۵۱

فصل دوازدهم ذکر

- ذکر ۲۵۴
- ۱-شرایط تلقین ذکر ۲۵۶
- ۲-ذکر لا اله الا الله ۲۵۷
- ۳-انواع ذکر ۲۵۸

فصل سیزدهم سماع

- ۱-سماع چیست؟ ۲۶۱
- ۲-آداب سماع ۲۶۲

فصل چهاردهم مکاشفه

- ۱-تعریف مکاشفه ۲۶۵
- ۲-کشف ۲۶۶
- ۳-انواع کشف ۲۶۶
- ۴-فرق بین مشاهده و مکاشفه و تجلی ۲۶۸
- نتیجه گیری ۲۷۰
- فهرست منابع ۲۷۲

چکیده

نجم الدین رازی یکی از عارفان قرن هفتم هجری است. مهمترین کتاب او مرصادالعباد، به زبان فارسی و در مورد تصوف و سلوک است. این کتاب از نظر سبکی به آثار قرن ششم مانده تر است. عرفان نجم الدین رازی مابین دو مکتب تصوف عابدانه و تصوف عاشقانه می باشد. او راه رسیدن به حقیقت را شریعت و طریقت می داند. عقیده او بر این است که شناخت خدا با شناخت نفس حاصل می شود. آفرینش انسان از سایر موجودات و حتی فرشتگان متمایز است. رابطه ای میان انسان و خدا وجود دارد و آن عشق است. برای رسیدن به حقیقت باید مراحل طی کرد و آن تزکیه نفس و چله نشینی می باشد.

ماجرای آفرینش آدم و ملائکه داستان گونه بیان می شود. او قبل از خلقت آدم به خلقت عوالم مختلف ارواح، ملک و ملکوت پرداخته و سپس خلقت آدم را بیان کرده است بعد از آن احتیاج انسان به پیامبر و شیخ برای تصفیه دل و مشاهده انوار درونی و تجلی ذات و صفات خداوند روی آورده است.

اندیشه های عرفانی او بر مبنای قرآن و آیات و احادیث شکل می گیرد چنانکه در آغاز هر باب آیه ای می آورد و آن را مبنای سخنان خود قرار می دهد.

کلید واژه: اندیشه - عرفان - نجم الدین رازی - مرصادالعباد

پیشگفتار

شیخ نجم الدین رازی، ملقب بدایه یکی از عارفان بزرگ و نامی آسمان ادب فارسی است. او یکی از بزرگترین اندیشمندان جهان اسلام است و نام آورترین و بزرگترین کتاب او مرصادالعباد، با نام کامل **مرصادالعباد من المبدأ الی المعاد** می باشد. مرصاد العباد کتاب نفیس و ذی قیمتی است که در علم تصوف و اخلاق و سیر و سلوک و آداب و معاش و معاد تدوین شده است. او این کتاب را بنابه درخواست دوستانش که از او کتابی به پارسی میخواستند تا بتوانند از آن بهره ای ببرند در رمضان سنه ۶۱۸ شریع و به سال ۶۲۰ه انجم برد.

نثر این کتاب هر چند در قرن هفتم انشا شده لیکن به شیوه انشا قرن ششم شبیه تر است. و در آن از اشعار شاعران دیگر و اشعار خود نویسنده و آیات و احادیث دیده می شود.

درباره پیشینه تحقیق می توان به مقالاتی از جمله: شیخ نجم الدین رازی از عارفان بزرگ قرن هفتم از عاطفه فراهانی و تفاسیر عرفانی نجم الدین رازی و نجم الدین رازی و تفسیر عرفانی قرآن از دکتر محمدرضا موحدی و انوار و درجات انوار الهی از دیدگاه شیخ نجم رازی از مهدی آذر.

تحقیق در چنین موضوعاتی چه در مرصادالعباد نجم رازی و چه در کتب عرفانی دیگر دارای محاسن و معایبی است. حسن چنین موضوعاتی در این است که یک دید کلی نسبت به عرفان و دید عرفانی عارف به پژوهشگر می بخشد و در کنار آن در مورد جزئیات عرفان که چون دریایی بی کران است نمی تواند غوطه ور شود.

مرصادالعباد نجم رازی داستان آفرینش انسان را چنان با بیانی شیوا به تصویر کشیده که گویی آئینه ای در مقابل آدمی قرار دارد و با خواندن آن آدمی آن را درک میکند و این حکایت از قدرت بیان نویسنده حکایت دارد.

به هر حال نگارنده این پژوهش تمام تلاش خود را بکار بست تا این پژوهش به سامان برسد. این تحقیق از تلفیق آنچه از مطالعه مرصادالعباد استخراج شد و نیز آنچه از نوشته ها و مطالب و شروح دیگر کتب عرفانی که در ارتباط با موضوع مورد پژوهش بود در دو بخش که عبارت اند از: عرفان عملی نجم رازی و بخش دوم عرفان نظری او به همراه یک مقدمه به پایان رسید. عرفان نظری او شامل اعتقادات و جهان بینی نجم الدین است که عبارت است از خداوند، ارواح، فرشتگان، انبیاء، انسان، جهان و معاد می باشد. عرفان عملی او درباره سیر و سلوک

سالکان می باشد که شامل رابطه مرید و مراد، آداب خانقاه، طریقت، شریعت، ریاضت کشی، تزکیه دل - تزکیه نفس، مقامات و منازل سلوک، تجلی، تسییح، چله نشینی، و ... می باشد.

روش کار در این پژوهش پس از فیش برداری مطالبی که جنبه عرفانی و دید عرفانی نجم رازی را در بر دارد با بهره گیری و استفاده از گفته های بزرگان دیگری که در ارتباط و در راستای همان موضوع بوده سپس مطالب عرفانی مرصادالعباد به همراه توضیحات آورده شده است.

در زمینه ارجاعات این تحقیق و پژوهش باید گفت که ارجاعات طبق روال آیین نامه نگارش پایان نامه می باشد بدینسان که ارجاعات به شیوه پاورقی بوده فقط مطالب مرصادالعباد به شیوه درون متنی به همراه شماره صفحه ذکر گردیده است.

نکته قابل ذکر این است که در این پژوهش از نسخه تصحیح شده محمد امین ریاحی به عنوان مرجع اصلی پژوهش قرار گرفت و بنیان این تحقیق بر اساس آن استوار است.

هر چند این تحقیق بسیار مختصر است و نجم الدین رازی خود دایه عرفان است نمی توان این پژوهش ناچیز را در خور او دانست. و آنچه در این تحقیق بدست آمده قطره ای از دریای بی کران عرفان و معرفت می باشد. ولی خوشحالم که در سیر این تحقیق با کتب عرفانی دیگر آشنا شدم و آنها را مورد مطالعه قرار دادم. من در انجام این تحقیق چون کودک نو پایی بودم که با پای لرزان شروع به راه رفتن کرد و بنابراین سرشار از لرزه ها و اشتباهات است. امید دارم خاطر تیز بین و آگاه استادان فرهیخته مرا با این اشتباهات آگاه گرداند تا بتوانم مسیر درست را بیاموزم و بدانم آنچه را نمیدانستم.

۱- روزگار نجم رازی

"اواخر قرن ششم و اوائل قرن هفتم از ادوار مهم و در عین حال پر آشوب تاریخ ایران و ملل اسلامی است. در آن ایام مرزهای اسلام به آخرین حد پیشرفت خود رسیده بود. در سرزمین ایران آن روز خوارزمشاهیان بر قسمت اعظم بلاد تسلط داشتند و دارالملک آنان خوارزم (گرگانج) در ساحل جیحون و در جنوب دریای آرال بود.

این دوره از نظر علوم و فلسفه و ادب و تصوف از ادوار درخشان تاریخ ایران است. از اواخر قرن پنجم تاخت و تاز صلیبیان بمرزهای غربی ممالک اسلامی درهای فتنه و بلا را بر روی مسلمانان گشود اما در قرن بعد بلائی صعب تر فراز آمد و آتشی سوزنده تر فرو بارید و هجوم کفار تتر سرزمین ایران را غرق آشوب و فتنه و پریشانی کرد و آسایش مردم ایران را بر هم زد. ازین سموم که بر طرف بوستان بگذشت عجب که رنگ گلی مانده و بویی یاسمنی شیخ نجم الدین رازی پرورده آن روزگار و بلا کشیده آن دوران رنج و ادبار است."

(مقدمه مرصاد العباد، ص ص ۹-۱۰)

"در قرن هفتم با هجوم مغولان و جنگ و کشتار آنان و سقوط خلافت بغداد و از بین رفتن مرکز دینی و سیاسی اسلام جامعه مسلمانان بیش از پیش تسلیم آسان گیری مذهبی و عواطف انسانی مسلک تصوف می گردد و کار صوفیان از رونق و رواج بیشتری برخوردار می شود."^۱
"خان مغول در پائیز سال ۶۱۷ ه. ق بلخ طالقان و چند شهر دیگر را تسخیر نمود و به ساحل رود سند رسید ایران بی آنکه جزئی از قلمرو حکومت مغول شده باشد به صورت سرزمین ویرانه در آمد."^۲

"حمله مغول (۶۱۶ ه) به ایران نظم و ترتیب بسیاری از امور را در هم ریخت اثر این تهاجم به سرعت در همه جا و همه چیز پدیدار گشت و موجبات انحطاط عقلی و اجتماعی را فراهم آورد. تصوف هم که یک حرکت فکری آمیخته با دین بود از آسیب این یورش مصون نماند"^۳
"قرن هفتم را میتوان از وحشتناک ترین و فاجعه آمیزترین قرنهای تاریخ اسلام و ایران نامید. در سراسر این قرن تا حدود نیمه اول قرن هشتم (۶۱۷-۷۳۷ ه) کشورهای اسلامی مخصوصا کشور

۱- کیانی، محسن، تاریخ خانقاه در ایران، ص ۵۱۵

۲- اشپولزر، برتولد، تاریخ مغول در ایران، ص ۳۴

۳- سهروردی، شیخ شهاب الدین، عوارف المعارف، مقدمه/ ص ۵

ایران زیر ضربات قتال و ویرانگر مغولان، سخت ترین دوران حیات و تاریخ خود را گذراند. تاسیس امپراطوری مغول برای کشورهای مسلمان بیش از همه جا بلا و بدبختی و ویرانی بیار آورد و در تمام شئون مادی و معنوی مسلمانان اثر گذاشت.^۱

۲-۱- نام و لقب و تخلص

نام او در کتاب مرصاد العباد و هم چنین کتب دیگری چون سیر عرفان در اسلام، تذکره ریاض العارفین، ریحانه الادب و کتب دیگر به نام: نجم الدین ابو بکر عبدالله بن محمد بن شاهاور بن انوشروان بن ابی النجیب الاسدی رازی آمده است.

" نام او چنانکه خود در مقدمه مرموزات و خاتمه مرصاد العباد و در ابتدای منارات السائرين می نویسد و در کشف الظنون نیز نقل شده " ابوبکر عبدالله بن محمد بن شاهاور الاسدی الرازی " است. لقب او نجم الدین است.

با توجه به کلیه منابع نام و نسب کامل او چنین بوده است " نجم الدین ابوبکر عبدالله بن محمد بن شاهاور بن انوشروان بن ابی النجیب الاسدی رازی " و چون از آخرین عبارات مرموزات اسدی معلوم میشود که در دوره خود به نجم رازی معروف بوده در غزلهایی که هم از او در دست داریم در سه مورد تخلص خود را **نجم** و در یک مورد **نجم رازی** آورده است.^۲

(مقدمه مرصادالعباد، ص ۱۰)

۳-۱ لقب دایه

تذکره نویسان بر این باورند که وی لقب دایه دانه است. البته او با این لقب در کتاب مرصادالعباد نیامده است.

" تقریباً کلیه تذکره نویسان نوشته اند که نجم الدین لقب دایه داشته است این لقب در مرصادالعباد نیامده اما مولف در ابتدای منارات السائرين که در اواخر عمر و سی و اند سال بعد از مرصاد تالیف کرده خود را **المعروف بدایه** میکند در باره علت شهرت نجم الدین به این لقب در جایی بحث نشده

۱- کیائی نژاد، زین الدین، سیر عرفان در اسلام، ص ۱۶۶-۱۶۷
۲- زرین کوب، عبدالحسین، دنباله جستجو در تصوف ایران، ص ۱۰۵- کیائی نژاد، زین الدین، سیر عرفان در اسلام، ص ۳۰۳- اوحدی، تقی الدین محمد، عرفات العاشقین و عرصات العارفین، ص ۳۷۹۵- مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانه الادب، ج ۱، ص ۱۳۹-۱۳۸- رویکرد سبک مصنوع مرصادالعباد به قرآن کریم، سبک شناسی نظم و نثر فارسی، شماره پی در پی ۱۲- شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شاعران و نویسندگان ایران

است ولی با اشاراتی که مولف در موارد مختلف و متعدد باطفال طریقت و شیر شریعت و حقیقت و مادر نبوت و دایه ولایت کرده شاید بتوان این لقب را توجیه کرد.^۱

(مقدمه مرصادالعباد، ص ۱۱)

۴-۱ مولد و منشاء

اتفاق نظر تذکره نویسان در مورد محل تولد وی شهر ری است. چنانکه بزرگان بر این مطلب تکیه کرده و گفته اند:

"مولد و منشا نجم الدین شهر ری است و علاوه بر اینکه همه تذکره نویسان در این باره اتفاق دارند نوشته های خود او نیز موید آن است چنانکه ضمن یک رباعی در مرصاد العباد می گوید رازی بودم کنون همه راز شدم."^۲

(همان، ص ۱۱)

۵-۱ تاریخ ولادت

تاریخ ولادت وی به درستی نزد تذکره نویسان مشخص نیست با توجه به تاریخ تالیف کتاب مرصاد العباد تاریخ تقریبی ولادت وی سال ۵۷۳ می باشد. چنانکه این تاریخ در کتاب عرفات العاشقین چنین آمده است.

"تاریخ ولادت نجم الدین در کتب تذکره ذکر نشده و در مرصادالعباد تنها یک مورد هست که ما را در کشف زمان تقریبی تولد او یاری میکند. شیخ مینویسد: "این ضعیف در بلاد جهان شرق و غرب - قرب سی سال است تا میگردد" اگر قرب سی سال را بیست و هشت سال فرض کنیم با توجه بتاریخ تالیف کتاب (۶۱۸) سفرهای او از سال ۵۹۰ آغاز گردیده است و اگر تصور کنیم این سفرها بقصد تکمیل نفس و از حدود بیست سالگی آغاز گردیده تاریخ ولادت وی در حدود سال ۵۷۰ خواهد بود. و مرصادالعباد یادگار سنین کمال و پختگی توام با فعالیت یعنی پنجاه سالگی او است."^۳

(همان، ص ۱۲)

۶-۱ سوانح زندگی

۱-مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانة الادب، ج ۵، صص ۱۳۹-۱۳۸ - هدایت ، رضاقلی خان، تذکره ریاض العارفین، ص ۲۴۰-شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شاعران و نویسندگان ایران- رویکرد سبک مصنوع مرصادالعباد به قرآن کریم، سبک شناسی نظم و نثر فارسی، شماره پی در پی ۱۲- زرین کوب، عبدالحسین، دنباله جستجو در تصوف ایران، ص ۱۰۵

۲- همان

۳- زرین کوب، عبدالحسین، پیشین- رویکرد سبک مصنوع، پیشین

روزگار نجم رازی مطابق با حمله مغول و درگیری و جنگ و خونریزی بوده است و همین علت باعث می شود که زادگاهش یعنی شهر ری را ترک کند و عازم سفر شود.

"روزگار کودکی و دانش اندوزی او در ری گذشته است. همین آشفستگی و نابسامانی ری و شاید هم شوق طلب و تحقیق نجم الدین را بر آن داشت که در همین سالهای پرآشوب ترک یار و دیار گوید و قرب سی سال در بلاد جهان شرق و غرب بگردد."

"مطابق نوشته صفدی نجم الدین از نواحی حجاز و مصر و شام و عراق و روم و آذربایجان و اران و خراسان دیدار کرده است.

آنچه از آثار خود شیخ برمیآید وی در سال ۶۰۰ هجری در مصر بود.

گویا در همان سفر سال ۶۰۰ سعادت زیارت خانه خدا را نیز یافته است.

نجم الدین قبل از سفر حج یا بعد از آن بخوارزم و خراسان رفته و آن دیار محل تربیت فکری و معنوی او بوده است در راه خوارزم در نیشابور با شیخ محمد کوف از مشایخ اواخر قرن ششم دیدار کرده است."

"نجم الدین که بعلت اشتعال آتش اختلافات مذهبی دل خوشی از مولد و منشا خود نمی توانسته داشته باشد در خوارزم هم خاطر آسوده ای نداشت خوارزم تختگاه پادشاهی بود که با معتزله مهر میورزید و تعصبی در مذهب اهل سنت و جماعت نداشت و تحت تاثیر فخر رازی بحکمت و فلسفه متمایل بود احترام صوفیان را گوش نمی داشت.

مقارن حمله مغول نجم دایه نیز مانند اکثر مردم آن روزگار در جهت مقابل حمله رو بسوی ولایات غرب مینهد. تاریخ عزیمت نجم الدین روشن نیست و حتی نمی توان گفت که آیا حمله مغول موجب مسافرت او گردیده یا دل آزرده گی او از محیط فکری و مذهبی خوارزم."

"در فرار از مقابل سیل تار دیار روم مسیر و مقصد طبیعی مولف بوده است. از این گذشته خود وی امن و آسایش آن سامان و دین دوستی و دانش پروری سلجوقیان روم را علت توطن خود در آن دیار ذکر میکند."

"نجم رازی تنها یک امید میتوانست داشته باشد و آن دانش دوستی و هنر پروری فرمانروایی ارزنجان بود. علاءالدین داوود دوم ملک این ناحیه تحت الحمایه سلطان سلجوقی روم بود."

(مقدمه مرصادالعباد، ص ص ۲۴-۱۴)

"در واقعه چنگیز از خوارزم به جانب روم رفته بود. و وی را با شیخ صدر الدین قونوی و مولانا جلال الدین محمد رومی اتفاق صحبت بسیار افتاد."

۱- اوحدی دقایی، تقی الدین محمد، عرفات العاشقین و عرصات العارفین، ص ۳۷۹۵

"در جوانی به مسافرت پرداخت و بعد از اداء وظایف حج و مسافرت در شام و مصر (حدود سنه ۶۰۰) ظاهرا در خراسان یا خوارزم به صحبت شیخ مجدالدین رسید و از وی تربیت و ارشاد یافت. بعد از آنکه شیخ به اشارت سلطان مقتول شد (۶۰۷) وی ظاهرا همچنان در خوارزم و خراسان بود و گویا به تربیت و ارشاد مریدان هم در خراسان اشتغال داشت و به هر حال مقارن ظهور مغول چنانکه در مقدمه مرصاد العباد می گوید: "در بلاد عراق و خراسان در سفر و گاه در حضر بود" تا آنکه در "شهور سنه سبع عشره و ستمائه" (۶۱۷) که کفار تار به دیار اسلام تاخت و قتل و کشتار سپاه چنگیز تا حدی شد که تا از یک شهر ری که مولد و منشا وی بود کما بیش پانصد هزار آدمی به قتل آمد و اسیر گشت.^۱

"از طریق اربیل و دیار بکر عازم بلاد روم شد و ظاهرا بعد از شش ماه به قیصریه رسید (رمضان- ۶۱۸) در ملطیه با شیخ شهاب الدین عمر سهروردی که از ماموریت سفارت به نزد سلطان سلجوقی به بغداد باز می گشت ملاقات کرد و سهروردی در تعریف وی و تحسین کتابی که به نام مرصاد العباد تصنیف کرده بود به خط شریف حرفی چند به نواب حضرت در قلم آورد. ظاهرا توصیه سهروردی و تعریف او سبب شد که نجم الدین در عزیمت اقامت در روم جازم شود. مع هذا آنگونه که انتظار بود مورد توجه عامه و عنایت خاص سلطان که علاءالدین کیقباد اول سلجوقی بود واقع نگشت.^۲

"اما در ارزنجان نیز چنانکه انتظار داشت مورد تکریم فوق العاده ای واقع نشد و از آنجا به بغداد رفت (۶۲۲) و بدینگونه مدت اقامت و مسافرت او در بلاد روم و ارزنجان حدود چهار یا پنج سال بود.^۳

"هنگام خروج چنگیز خان مغولی بدیار روم رفت در قونیه با صدرالدین قونیوی و ملای رومی ملاقات کرده هنگام نماز مقتدا و امام ایشان شد و در هر دو رکعت بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون خواند بعد از اتمام نماز ملا صدرالدین گفت که یکبار برای شما خواند و یکبار هم برای ما.^۴

"مدت سیر و سفر نجم الدین رازی در روم نامعلوم است. مردی که روز نخست بعد از تحقیق و تفحص با عزم و اراده راسخ به اقامت دائم در روم وارد آن دیار شده بود کی و چرا آن سرزمین را ترک گفت مطابق نوشته اش در مقدمه مرموزات در آن سه سال متاع دین و معرفت را در آن دیار

۱- زرین کوب، عبد الحسین، دنباله جستجو در تصوف ایران، ص ۱۰۶

۲- همان

۳- همان، ص ۱۰۷

۴- مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانه الادب، ج ۱، ص ۱۳۹-۱۳۸ - هدایت، رضاقلی خان، تذکره ریاض العارفین، ص ۲۴۰ - رویکرد سبک مصنوع مرصاد العباد به قرآن کریم، سبک شناسی نظم و نثر فارسی، شماره پی در پی ۱۲

خریداری نیافت و به ارزنجان واقع در ۳۵ فرسنگی غرب از روم رفت. مسلمانان ارزنجان هم روی نیاورده سوی قبله او دل آزرده اش کردند و او ناچار شد از همان راه به پایتخت ممالک اسلامی بغداد رود. آنجا که سالیان درازی از واپسین دوران عمر را گذرانید و هم در آنجا آرمید.^۱

۱-۷ وفات و آرامگاه

"تاریخ وفات نجم رازی را صفدی در الوافی بالوفیات و جامی در نفحات الانس و ابن العماد در شذرات الذهب بسال ۶۵۴ ذکر می کنند و منابع دیگر نیز همان تاریخ را نقل کرده اند. درباره مزار او جامی گوید "در شونیزیه بغداد بیرون مقبره شیخ سری سقطی و شیخ جنید قبری بود که می گفتند که قبر وی است و الله اعلم."^۲

(مقدمه مرصاد العباد، ص ۲۷)

۱-۸ اعتقاد به اشاعره

"نجم رازی مانند اکثر مردم آن روزگار در اصول مذهب پیرو اشعریان است. در حالیکه میدانیم عمل بارکان را نیز یکی از سه رکن ایمان میدانستند. و نیز برای دوزخ رفتگان کلمه لا اله الا الله و شفاعت محمد رسول الله را موجب خلاص از دوزخ و وصول به بهشت داند و این در مقابل عقیده معتزله است که بخلود در نار معتقد بودند و نیز عقیده معتزله را کفر بتحقیق نام می نهد آنجا که بدون ذکر نام عقاید آنان را نقل کند که گویند " خداوند بجزویات عالم نیست صفات ذات خدا را برمی شمارد بر خلاف اعتقاد معتزله که صفات ازلی زائد بر ذات را نفی کنند."^۳

(همان- ص ۲۱)

۱-۸-۱ نظریه اشاعره نسبت به عالم

"اما اشاعره به سبب آنکه اشارت جوهر متعدده کرده اند و رای حقیقت وجود و اعراض متبدله متجدده را به آنها قایم داشته و ندانسته اند که عالم به جمیع اجزائه نیست مگر اعراض متجدده و متبدله مع الانفاس که در عین واحد جمع شده اند و در هر آئی از این عین زایل می شوند و امثال آنها به وی متلبس می گردند پس ناظر به واسطه تعاقب امثال در غلط می افتد و می پندارد که آن امری است واحد مستمر."^۳

۱- عرفان در ایران، زندگی نامه و کتابهای عرفا
۲- اوحدی دقایی، تقی الدین محمد، عرفات العاشقین و عرصات العارفین، ج ۶، ص ۲۷۹۶-زرین کوب، عبدالحسین، دنباله جستجو در تصوف ایران، ص ۱۰۷- کیانی نژاد، زین الدین، سیر عرفان در اسلام، ص ۳۰۳- مدرس تبریزی، محمدعلی، ریحانه الادب، ج ۵، ص ۱۳۹-۱۳۸- هدایت، رضاقلی خان، تذکره ریاض العارفین، ص ۲۴۰
۳- جامی، نورالدین عبد الرحمان، لوائح، ص ۸۹